خلاصه ترجمه: مسأله، مسأله لوله است!

مسأله، مسأله لوله است!

چچن بر سر راه نفت خزر و درآمد فروش طلای سیاه قرار گرفته است

تنها خط لوله‏ای که تاکنون می‏توانست نفت‏ خزر را به بازار برساند،خط لوله باکو- نوروسیسک بود که از چچن می‏گذشت،در زمان‏ شوروی تولید نفت خزر در اولویت قرار نداشت‏ چرا که فن‏آوریهای لازم آن در کشور نبود.

ابتدا امید می‏رفت دریای خزر در ردیف‏ خلیج‏فارس قرار بگیرد،اما ذخایر خزر تا به‏ حال کمی از منابع دریای شمال تجاوز کرده‏ است.در حال حاضر در دریای خزر حدود 6/2% تا 3/1% نفت جهان کشف شده است.

ریاست آذربایجان از سال 94 با 20 شرکت‏ معروف جهان 9 قرارداد تقسیم محصولات و اکتشاف و استخراج نفت و گاز را منعقد کرده‏ است.در قزاقستان نیز روند مشابهی شروع شده‏ است.ولی استخراج نفت کفایت نمی‏کند،بلکه‏ باید آن را به مصرف‏کننده رساند و این در حالی‏ است که ظرفیت خط لوله باکو-نوروسیسک‏ حتی برای انتقال نفتی که باکو هم‏اکنون تولید می‏کند،کفایت نمی‏کند.به همین دلیل‏ محافل سیاسی و نفتی جهان به بحث‏ گسترده‏ای درباره مسیر انتقال نفت آینده خزر پرداخته‏اند.سه راه اساسی وجود دارد:راه‏ روسی که شامل تعمیر و توسعه خط لوله موجود باکو-نوروسیسک است(با 2 میلیون تن‏ ظرفیت)؛مسیر گرجی باکو-سوپسا که فاز اول‏ ساخت آن با ظرفیت 5 میلیون تن در آوریل‏ سال جاری پایان یافت،و مسیر ترکی باکو- جیهان که ساخت آن هنوز شروع نشده است. مجله‏"نفت و گاز خزر"نوشت:اتکاء تولید و انتقال نفت خزر به یک مسیر،برای‏ همه خطرناک خواهد بود.

آمریکا که یک سوم نفت تولیدی اوپک را می‏خرد،به سیاست این سازمان وابسته است، به همین دلیل به نفع او است که منطقه خزر را به تولیدکننده جایگزین نفت تبدیل کند و این‏ بازار را به طور کامل،از تولید تا انتقال،کنترل‏ نماید.در این صورت عایدات عبور نفت نیز به‏ مسکو نخواهد رسید.ترکیه نیز طرفداران این مسیر است.اگر این خط لوله 2000 کیلومتری‏ احداث شود،ترکیه از سرمایه‏گذاری، فرصتهای شغلی،مالیات و مزایای اقتصادی‏ دیگر نیز برخوردار خواهد شد.

برای باکو-جیهان بین 5/1 تا 3/3 میلیارد دلار لازم است در حالی که تعرفه‏ انتقال بین 42 و 110 دلار بابت هر تن‏ خواهد بود.مدرنیزه کردن مسیر روسی خیلی‏ آسان‏تر بنظر می‏رسد.این کار بین 100 میلیون تا 1 میلیارد دلار تمام خواهد شد و تعرفه انتقال نفت بین 19 تا 25 دلار خواهد بود.لذا شرکتها فعلا حاضر نستند در خط لوله ترکی سرمایه‏گذاری کنند.تصادفی نیست‏ که کمپانی‏های آمریکایی در زمان خود با رژیم جوهر دودایف همکاری می‏کردند.

مسیر ترکی انتقال نفت مورد علاقه اعضای‏ اوپک،عربستان و ایران است ولی آنها انگیزه‏های‏ دیگری دارند.ورود نفت خزر به بازارهای جهان‏ بر قیمت نفت تأثیر خواهد گذاشت ولی اگر نفت‏ خزر از طریق خط لوله پر هزینه باکو-جیهان‏ انتقال یابد،این نفت حتما گران خواهد بود و ورود آن به بازار بر قیمتهای جهانی تأثیر چندانی‏ نخواهد گذاشت.نفت می‏تواند کمی ارزانتر شود ولی نه تا حدی که وضع برای اوپک بحرانی شود.

برای روسیه تلاش برای دفاع از منافع خود در حوزه و در رابطه با چچن گران تمام می‏شود. حتی همین وضع مبهم کافی است تا سرمایه‏گذاران‏ بالقوه،نفتی،مسیر روسی را رد کنند.

از زمان پایان جنگ اول در چچن،پول‏ زیادی به چچن داده شده است.5/1 تا 2 میلیارد دلار به عنوان سوبسید برای بازسازی‏ اقتصاد ویران شده چچن اختصاص یافت(با این پول می‏توان خط لوله باکو-جیهان را ساخت).علاوه بر آن،کمپانی‏های روسی‏ مرتبا به این جمهوری منابع انرژی‏زای‏ رایگان می‏دادند.در خاک چچن نفت‏ آذربایجان از خط لوله باکو-نوروسیک به‏ سرقت می‏رفت ولی کمپانی روسی‏"ترانس‏ نفت‏"بایستی جواب این نفت را می‏داد.

ولی در نهایت جنگ جدید با هزینه‏هیا جدید برای مالیات پردازان شروع شد.کسی نمی‏داند جنگ تا کی ادامه می‏یابد.هزینه‏های آوارگان و بازسازی آتی اقتصاد چچن نیز نباید نادیده‏ گرفته شود.و بالاخره مخارج ساخت خط لوله‏ انتقال نفت خارج از خاک چچن باید در هزینه‏های‏ کلی چچن به حساب آورده شود.طرح ساخت‏ خط لوله خارج از چچن 300 میلیون دلار برآورد شده است.رئیس جدید"ترانس نفت‏" اخیرا روند برنامه‏ریزی ساخت خط لوله را ستود.اداره خط لوله خزر و قفقاز تأسیس‏ شده است که 10 تا 15% سهام آن به کمپانی‏ "ترانس نفت‏"تعلق خواهد داشت.

اگر حجم صدور نفت از آذربایجان که‏ اکنون برابر 2 میلیون تن در سال است(از طریق داغستان به وسیله راه آهن منتقل و سپس از سرزمین غیر چچن به خط لوله باکو- نوروسیسک می‏رسد)افزایش نیابد،خط لوله‏ جدید هزینه‏های خود را جبران نخواهد کرد. شرکت نفتی‏"لوک اویل‏"ادعا می‏کند که برای‏ سودآور کردن این مسیر کافی است صادرات‏ آذربایجان تا 9 میلیون تن افزایش یابد،طرف‏ آذری حاضر است این سطح صادرات را تضمین کند ولی نمی‏توان برآورد"لوک اویل‏"را باور کرد.چون عضو یکی از کنسرسیومهای‏ بین‏المللی خزر است و اگر یکی از مالکان‏ خط لوله خارج از چچن شود،از ترانزیت نفت‏ نیز سود خواهد برد.به عقیده کارشناسان‏ مستقل،لازم است که آذربایجان انتقال سالانه‏ حداقل 12 میلیون تن نفت را تضمین کند.ولی‏ آذربایجان به هیچ عنوان حاضر نیست این‏ ضمانت را بدهد.و لذا شرکتهای نفتی می‏توانند پیشنهاد"ترانس نفت‏"را رد کنند.بنا بر این، شرکتهای دولتی به ساخت خط لوله جدید خواهند پرداخت.به عبارتی،هزینه‏ها دوباره بر دوش دولت و بودجه فدرال خواهد افتاد.

البته اگر"پوتین‏"جدا بخواهد چچن را از راهزنان پاکسازی کند،شاید نیازی به این هزینه‏ها نباشد.چرا خارج از چچن خط لوله بسازد؟ در بهار امسال مرحله اول خط لوله باکو- سوپسا افتتاح شد.سرمایه‏گذاران در حال‏ بررسی ساخت خط دوم هستند.اگر این تصمیم‏ اتخاذ شود،می‏توان گفت که روسیه نبرد بر سر نفت خزر،به خصوص نفت آذربایجانی‏ خزر را باخته است.مسیر باکو-سوپسا برخلاف مسیر ترکی از نظر اقتصادی‏ جذابیت دارد ولو اینکه از مسیر نوروسیسک‏ سودآوری کمتری دارد.مشکل این طرح‏ (همانند طرح روسی)بی‏ثباتی منطقه است. ولی در حال حاضر گرجستان خیلی کمتر از روسیه از مناقشات بین قومی آسیب می‏بیند.

از دید برخی کارشناسان با وجود استخراج نفت روسیه از میادین نفتی شمال و سیبری،چندان ارزان نیست.اگر نفت مرغوب‏ خزر بعد از گذر از خاک روسیه وارد بازار جهانی شود،قیمت نفت افت می‏کند.بعید نیست‏ که بعد از آن نفت روسی قدرت رقابت خود را از دست بدهد.در این صورت خسارات روسیه‏ خیلی بیشتر از درآمد حاصل از عبور نفت خواهد بود.بنا بر این،شاید منافع روسیه در این‏ زمینه با منافع ایالات متحده و اوپک که طرفدار انتقال نفت خزر از مسیر ترکیه هستند، مطابقت داشته باشد.اگر اینطور باشد،چه‏ لزومی دارد که برای چچن این همه پول خرج‏ کنیم و در عوض چیزی بدست نیاوریم؟